

قطعه‌نامه درباره جنبش کارگری

طبقه کارگر ایران با تعرض افسار گسیخته نظام سرمایه داری به حقوق و معیشت خود مواجه است ، بواسطه سرکوب و خفقان و نبود حداقل آزادیهای سیاسی و فقدان تشکل های حزبی و توده ای، این تعرضات به نحو وحشیانه ای کار و معیشت کارگران را مورد یورش قرار داده و زندگی خود و خانواده آنان را با معضلات لاینحلی مواجه نموده است.

بیکارسازیهای وسیع، حقوق و دستمزد نامکفی ، تشدید استثمار ، قراردادهای موقت، عدم پرداخت حقوق و دستمزد های ماهیانه، نبود تضمین شغلی، نبود ایمنی محیط کار، نبود تشکل های مستقل کارگری، حاکم کردن فضای امتیعی بر محیط های کار و سرکوب و زندان رهبران کارگران، از جمله موارد بی شماری است که توسط طبقه سرمایه دار و صاحبان قدرت و ثروت در ایران بر زندگی کارگران تحمیل شده است. اما تشدید بحران اقتصادی و سیاسی ، گسترش ابعاد فقر و بیکاری و گرانی و تورم و تعرض به حقوق زنان، جوانان، دانشجویان بخش زیادی از توده های زحمتکش مردم را نیز به سمت مبارزه علیه جمهوری اسلامی سوق داده است.

در حالیکه طبقه کارگر ایران با اعتصابات و اعتراضات خود به اشکال گوناگون در برابر اخراجها ، بیکارسازیها و تعرض به حقوق و معیشت خود توسط دولت و سرمایه داران مقاومت میکند، توده های مردم بویژه زنان و جوانان و دانشجویان نیز با استفاده از شکاف درون رژیم در سال گذشته در ابعادی توده ای به خیابانها ریختند و با خلق حماسه های باشکوه به تمام جهانیان نشان دادند که با رژیم ارتجاعی حاکم سراسرگاری ندارند و خواستار سرنگونی آن و رسیدن به آزادی و برابری های اقتصادی و اجتماعی در ایران هستند.

از طرفی تاریخ مبارزات یکصدساله توده های زحمتکش مردم، طبقه کارگر، زنان، جوانان و دیگر اقشار زحمتکش جامعه و بویژه برآمدهای توده ای سال گذشته نشان داد مبارزات پراکنده و ونام تشکل و بدون رهبری انقلابی به نتیجه مطلوب نمیرسند و نیز وقایع و برآمدهای توده ای سه دهه گذشته مبین این واقعیت هستند که پیروزی جنبش های اجتماعی زنان، جوانان، دانشجویان، کارمندان، روشنفکران و خلقهای تحت ستم و استثمار و دیگر اقشار محروم و زحمتکش جامعه ایران در گرو حضور طبقه کارگر قدرتمند و متحد و متشکل در صحنه مبارزه است. در حالیکه طبقه کارگر ایران بعنوان قدرتمند ترین طبقه فاقد تشکل های سراسری و اتحاد و اتفاق لازم است و طبقه سرمایه دار و دولت ارتجاعی و مذهبی آن هرگونه تلاش برای متشکل شدن و متحد شدن طبقه کارگر را با سرکوب و زندان و شکنجه و کشتار پاسخ میدهد. یعنی طبقه کارگر ایران فاقد این اساسی ترین پیش شرط حضور قدرتمند خود در صحنه مبارزه طبقاتی جاری است و این یکی از ضعف های مهم طبقه کارگر ایران و یکی از موانع بسیار مهم و اساسی پیشروی جنبش های اجتماعی مترقی و انقلابی علیه نظام سرمایه داری حاکم و دولت مذهبی آن محسوب میشود. و حل این تضاد یکی از وظایف مبرم جنبش کمونیستی و کارگری ایران از جمله سازمان ما در شرایط کنونی است.

از این رو ما ضمن حمایت و پشتیبانی از کارگران سراسر ایران برای ایجاد تشکلهای مستقل خود، و نیز تشدید تلاش در جهت سازمانیابی کارگران در تشکلهای توده ای و حزبی از جمله تشکلهای علنی و مخفی، اعلام میکنیم که از جمله تلاش ما و سایر پیشروان جنبش کارگری باید معطوف به حل این تضاد باشد که: در شرایطی که هرگونه کوشش رهبران جنبش کارگری ایران برای ایجاد تشکلهای صنفی و سیاسی خود با سرکوب دستگیری و زندان و شکنجه و کشتار پاسخ داده میشود، پیشروان کارگری و کمونیستها چه وظایف عملی را باید در دستور روز مبارزاتی خود قرار دهند تا بتوانند این بن بست را در هم بشکنند.

کنگره گشایش و پیشبرد این مباحث را بمنظور رسیدن به نتیجه عملی در دستور روز سازمان قرار میدهد و رهبری سازمان موظف است که نیروها و فعالین واقعی جنبش کارگری و سوسیالیستی را در این مباحث درگیر کند کنگره از همه فعالین و پیشروان جنبش کارگری دعوت میکند که برای رسیدن به نتیجه مطلوب در این مباحث شرکت فعال بنمایند.

کنگره پنجم سازمان اتحاد فدائیان کمونیست شهریور ۸۹